

## آزادی کارگر

در شماره گذشته ، بحث ما به « آزادی مدنی »  
 منتهی شد و از « آزادی مسکن » بررسی بعمل آمد ،  
 اینک به قسمت دوم بحث « آزادی مدنی » توجه فرمائید :

تاریخ گواهی میدهد که : در دیر زمانی گروهی افراد رحمت کشی و کارگر ، در نفوذ و قدرت مدهم مدوی انقودالها و عزیزان بلاجهت ، بکار و تلاش ، اشتغال داشتند ، ولی از ثمره زحمت و فعالیت شان ، جز غذای بخور و نمیر ، بهره دیگری نداشته ، تمام منافع کار و زحمت آنها بحسب آن مستگران زالوست ، میرفته است .

ادبایان و صاحبان بیولها ، از دست و پاچ کارگران و زحمت کشان ، بساط عیاشی و خوش گذرانی خود را رونق بخشیده فرق در لذات و مظاهر فریبنده زندگی بودند ، ولی کارگران بیتوا مانند بردگان بی اراده ای ، برای بدست آوردن قوت لایموت ، روز و شب در تلاش بودند ، و از دست رنج خود ، حریک زندگی تلاکت باد ، نصیب دیگری نداشتند .

بیگاری و کار اجباری ، یکی از سنتهای معمول دوران قنودالیت و بیول داری بوده که آثار دوم آن ، هنوز در پاره ای از کشورهای عقب افتاده چشم به بخورد!

کارگران بیسواکه نیروی فعال و گردانندگان چرخ مملکت بودند ، بشکل آلت قبول و رآمده از خود اراده و اختیاری نداشتند ، هر فرمانی که از کار فرمانان و صاحبان بیولها صادر میشد ، آنان ناگزیر ، باطاعت و فرمان برداری بودند ، در صورت مخالفت ، عذاب و شکنجه ای غیر انسانی بود کهس بااست تحمل نمایند!

اسلام ، با آنکه در دورانی به جامعه بشری عرضه گردیده که در سراسر زندگی مردم آن روز این رسم غلط حکمفرما بوده ، در عین حال ، با قاطعیت بچنگ این نوع تحمیلی و سلب آزادیها رفت ، بیگاری و کار اجباری را که با شرف و عزت انسانی مخالف است ، نادرست و غیر انسانی اعلام نمود .

در زمان خلافت علی علیه السلام، مردم یکی از مناطق اسلامی، خدمت آنحضرت، شرفیاب شدند و چنین عرشه داشتند. در سرزمین ماهری است که گذشت زمان و حوادث دور گذار آنرا بر کرده و مدارا افزون آن محروم نموده است. هر گاه دوباره آن نهر کنده شود، و در آبادی سرزمین و رونق زندگی ما تأثیر بسزایی خواهد داشت. آنگاه از حضرت، تقاضا کردیم که بهایم خود که در آن ناحیه فرمانروایی داشت، فرمان دهد تا اقدام بیگاری گرفتن مردم و تحویل به کار اجباری اقدام به حفر مجدد آن نهر خراب شده نماید.

امیر مؤمنان علیه السلام، چون در خواست ایشان را شنید، کسی فکر کرد سپس نسبت به تجدید حفر نهر ابراز علاقه نمود ولی با موضوع بیگاری و کار اجباری، با آنکه موده علاقه، درخواست کنندگان بود، موافقت ننمود و نامه ای باین مضمون، برای قرطبه بن کعب و حاکم آن ناحیه نوشت: «گروهی از حوزة مأموریت توفیق من آمده گفتند که ایشان را نهری است که مشرک شده و اگر آنرا حفر و استخراج نمایند، سر زمین ایشان، آباد خواهد شد و به پرداخت تمام مالیات و خراجشان، قدرت خواهد یافت و در آید بیت المال مسلمانان از ناحیه ایشان، فزونی خواهد گرفت، آنها از من درخواست کردند که نامه ای برای تو بنویسم، تا آنان را بکار بیگاری و یکدن نهر و تأمین هزینه آن مجبور سازی.

لیکن ولست از آن اجبر احدا علی عمل یکره: من مسیح نمیدانم کسی را بیگاری که دوست ندارد و ادار و بیگاری و کار اجباری تحویل نام.

بنابراین، مردم آنجا را از خود طلب، تا اگر کار نهر، بر آنکو نباشد که موجب کرده اند هر کدام از آنان را که بطیب خاطر، مایل بکار باشند، بکار بکار، ولی چون نهر ساخته و پرداخته شود، متعلق بکسانی خواهد بود که در تجدید آن کار کرده و رحمت گشوده اند به آنکس که از کار خود داری کرده و علاقهای بان، نشان نداده اند، و در حال رونق داشتن زندگی و نیرومندی آنان نردمن، بهتر از سلف و تا توانی آنان است» (۱)

دقت در این فرمان، دو اصل مهم بر توبه آزادی کار و نتیجه تلاش و فعالیتها برای آبادی و روشن میکند، یعنی: از طرفی بیگاری و تحویل کار اجباری را، با دست اعلام میکنند و از طرفی دیگر

در آمد و منفعت کار را، بلیته رحمت کش و مولد ثروت اختصاص میدهد.

ایندو اصل، از اصول مهم عدالت اقتصادی در دنیای کنونی ما است. طبق همین نوع مدارک است که فقهاء اسلام، سریعاً اعلام کرده اند که: عمل خرافاتی محترم است و کسی نمیتواند نتیجه فعالیت، تلاش کسی را بدون طریق شرعی مالک گردد.

**حمایت از طبقه کارگر**

اسلام، نه تنها مردم را در انجام کارهای مشروع، آزاد میکند و هر کسی اجازه میدهد

(۱) الامام علی سون العدالة الانسانیة ج ۱ ص ۲۰۸. عدالت وقتاً در اسلام

طبق ذوق و سلیقه شخصی هر کاری که دلش خواست اقدام نماید، بلکه دولت اسلامی را موظف میدانند که در پیشرفت امور کارگران و بهبود شرایط کار و پیشه، اقتداست لازم را بعمل آورد.

علی علیه السلام، در فرمان تاریخی خود، بملك اشقر استاندار مصر، چنین دستور میدهد: «سپس، دربارهٔ بزرگانان و دستگیران، سفارش مرا بپذیر و عمل خود را دربارهٔ ایشان، سفارش کن. چه آنها تیکه در حائلی اقامت دارند، و چه آنها تیکه با سرمایه و دارایی خود، در رفت و آمدند و چه کسانی که به صنایع دستی، روزگار میگذرانند، زیرا اینان؛ سرچشمه های منافع کشورند، همینها هستند که سودها را از قبضه دست، از خشکی و دریا، حلگه و کوه، و جاهای دیگر مردم، نمیتوانند، در آن، گردانند و حرات رقت با آنها را ندارند، بسوی تو جلب میکنند، دیگر آنکه این گروه، مردمی آرام و مسلح طلبند بیم عصیان و خوف طغیان از جانب ایشان تصور نیست. از این دو مورد ایشان را چه در سر گرفته و از روائی تو باشند، و چه در شهرهای اطراف به دست مورد رسیدگی قرار دهی به آنان توجه داشته باش» (۱)

و دربارهٔ کشاورزان، نهر چنین توصیه میکند: «در جمع آوری مالیات، راه و رسمی پیش گیر که کار مالیات دهندگان را به اصلاح آورد، زیرا با اصلاح امر خراج و خراج گذار، کار سایر مردم نیز بهبود خواهد یافت. اصلاح کار دیگر مردم، بستگی با اصلاح کار آنها دارد، چشمهٔ مردم جبره در خراج و عامل خراجند.

**والیه باید توجه توبه آبادانی اراضی بیشتر از توجه توبه دریافت خراج باشد**، زیرا خراج، جز با آباد کردن زمین، بدست نمی آید، و هر کسی از زمین آباد نشده، خراج طلب نکند، کشور را ویران کرده و بندگان حدادا عیالک میسازد، و حرمت کوه تاهی کار حکومتش استقرار نخواهد یافت. و هر گاه خراج دهندگان، و رحمت کشان، از گرانی بار مالیات، باز آفت. **توجه بیشتر از توبه آبادانی اراضی بیشتر از توجه توبه دریافت خراج**، با کسی آب و بیابان دادن، با افتادن سیل در مزارع، یا خشکی زمین، شکایت کردند، آفتد بآستی به آنان، تخفیف دهی که امیدوار شوی بان مقدار، کارشان درست و اصلاح شود.

والیه نباید اینکار، بر تو گران آید، زیرا تخفیفی که بانها میدهی ذخیره های است که از راه آبادی شهرها و آراستن حکومت، تو باز خواهی گشت...» (۲)

\*\*\*

اسلام، دین آنکه مردم را در اشتغال بر نوع کاری که دلشان، خواست آزادی میگذارد، جا هر گونه تحمیلها و سلب آزادیها را نسبت بشقیه کارگر، میگیرد، با اینحال، آزادیهای

(۱) نهج البلاغه محمد عبده ج ۲ ص ۱۱۰

(۲) نهج البلاغه محمد عبده ج ۳ ص ۱۰۶

افراد را در دایره قانون، محدود می نماید. یعنی برخی از کارها را بخاطر مفاسد و شررها که بر اجتماع و افراد دارد، ممنوع و برخی دیگر را بجهت آنکه منتهی خیر و برکت است، واجب و مستحب میسازد.

مثلاً دردی، قلب، احتیاس، رشوه گیری، زیاده فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی و آلات لهو و احتشکار و اجزای فرا حرام، ولی تجارت، صنعت و دامداری را از پریشانند.

علی علیه السلام، در همان فرمان تاریخی خود، به برخی از این محدودیتها تصریح میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا انکم انتم و اولادکم و نساءکم انتم» بر سر دین، ایمان، برخی از آنرا، در دادوستد، سختگیر و بهیچل هستند، و احتیاجات مواد خود را کی مردم احتشکار میکنند، و در خرید و فروش، زورگو هستند، و این اعمال، برای عامه مردم، زیان آور و برای فرمانروایان عیب بزرگی است.

بنابراین، احتشکار، جلوگیری کن... و باید خرید و فروش، آسان، و از روی عدالت و اضافی، انجام گیرد و قیمت احتشاس، باید بطوری باشد که به هیچ یک از فروشنده و خریدار، زیانی وارد نیاید.

و هر گاه پس از این که از احتشکار پشیمان گردید، باز کسی مرتکب آن شد، او را عتوبت کن و بکیفر عملش برسان، بدون آنکه در معاملات او زیاده و کمتری کنی...» (۱)

المنه بایشی در شرط داشت که «ایضا با احتشکار و عدل، مقرر به آدای زوجه احد بود، زیرا اسلام از آزادی و خودقانون، ملزم، است و هر گوی که قیاس بنده با رعیت تأمین آزادی واقعی است چنانچه اینگونه محدودیتهای انقلابی در جامعه نباشد، انسان زندگانی اجتماعی از هم رانیده و

شیراز: اجتماع گسسته خواهد شد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱) نهج البلاغه، ج ۳، ص ۶۶، علم علوم انسانی

## نتیجه هواپرستی

امام جوادی (ع) میفرماید:

من اطاع هواه، اعطی عدوه عساه

: هر کس از هوای و هوسهای خود پیروی کند، دشمن خویش را

به آرزوی خود رسانیده است.